

شیخ صدوق؛ جهادگری خستگی ناپذیر در عرصه فرهنگ



بهراد جعفری، حدیث پژوه و مولف مجموعه ۳۰ جلدی *تبیین الکافی فی مرآة العقول و الوافی* در گفت‌وگو با خبرگزاری بین المللی قرآن (ایکنا) به مناسبت سالروز بزرگداشت شیخ صدوق به ذکر برخی از وجوه عظمت و جایگاه بلند آن محدث عالی‌مقام در مسیر حفظ تراث حدیثی شیعه پرداخت.

بهراد جعفری از جمله پژوهشگرانی است که به صورت تمام‌وقت در زمینه تحقیق، تصحیح و تدوین کتب حدیثی فعالیت دارد. وی یکی از بزرگ‌ترین توفیقات زندگی خود را حضور در محضر استاد بزرگوارش حاج علی اکبر غفاری می‌داند. این همجواری بیش از ۱۴ سال از عمر بهراد جعفری را به خود اختصاص داده است. وی در این دوره ۱۴ ساله توفیق این را داشته است روی ۳۲ جلد کتاب تحقیق کند. جعفری نفس گرم استاد غفاری را عامل استمرار فعالیت خود در این حوزه قلمداد می‌کند و از زمان فوت مرحوم غفاری تا امروز ۴۰ جلد کتاب در این حوزه تدوین کرده است که آخرین آنها مجموعه ۳۰ جلدی «تبیین الکافی فی مرآة العقول و الوافی» است. بگفته جعفری، این کتاب که برای تدوین آن قریب به ۱۰ سال زمان صرف شده بسیار مورد استقبال قرار گرفته است به طوری که برخی علما روزانه با این کتاب کار می‌کنند. گفتگوی ایکنا با این پژوهشگر در ادامه می‌آید:

ایکنا: در خصوص ابعاد فرهنگی شخصیت شیخ صدوق و تلاش ایشان در این حوزه توضیح بفرمایید.

صحبت درباره شخصیتی است که تاثیر بسزایی در استحکام پایه‌های مکتب تشیع دارد. این شخصیت بزرگوار در حدود بعد از سال ۲۰۵ به دنیا آمده است و جالب است بدانید به سبب مناسبات و مرادات پدر بزرگوارشان که به صدوق اول معروف است و جایگاه بسیار بالایی در میان علما دارد مورد عنایت امام عصر (ع) قرار گرفته است؛ پدر شیخ صدوق از طریق سفیر سوم امام زمان (ع) جناب حسین بن روح از ناحیه مقدسه امام عصر (ع) درخواست تولد فرزند می‌کند و امام زمان (ع) هم دعا می‌کنند و شیخ صدوق متولد می‌شود. به همین دلیل یکی از اوصاف شیخ صدوق «المولود بالدعوه» است. جایگاهی که ایشان در علم و دانش داشت و اشتیاقی که برای شرکت در جلسات علمی از خود نشان می‌داد باعث شده بود که بزرگان علم حدیث این جمله را در وصف او تکرار می‌کردند که عجب نیست در علم و دانش چنین اشتیاقی داشته باشی زیرا تو به دعای حضرت به دنیا آمدی. این بزرگوار به گفته شیخ الطائفه، قریب به ۳۰۰ عنوان کتاب داشته که از این ۳۰۰ عنوان کتاب، تعداد کمی بجا مانده است. شیخ صدوق کتابی دارد بنام «مدینه العلم» که از این کتاب به عنوان پنجمین کتاب شیعه یا همان گوهر گمشده نام می‌برند. بقول پدر شیخ بهایی،

اصول و پایه‌های حدیث ما را ۵ کتاب تشکیل داده است: اول کتاب کافی، دوم کتاب مدینه العلم، سوم کتاب من لایحضره الفقیه. مناسفانه این کتاب در حال حاضر مفقود است.

یکی از وجوه شخصیت این بزرگوار، سفرهای بسیاری است که برای اخذ حدیث از مشایخ زنده آن عصر داشته است تا آنجا که ایشان به «رحاله» معروف شد. ایشان سفرهای متعددی به مشهد مقدس، بغداد، کوفه و ... داشتند. این سفرها مستلزم این است که انسان از خانواده، همسایه، دوست و ... دور باشد. بهمین خاطر از مهم‌ترین جنبه‌های شخصیت ایشان، موضوع اخذ حدیث است. مرحوم استاد ما علی اکبر غفاری که نقش به‌سزایی در احیای بخشی از کتاب‌های شیخ صدوق داشت، در ارتباط با آیه شریفه (جاهد الکفار و المنافقین و اغلظ علیهم) می‌فرمود مرحوم صدوق مصداق بارز جهادگر فرهنگی در عصر خودش بود. یعنی مصداق آیه شریفه، جهاد فرهنگی است و به جرأت می‌توان گفت که شیخ صدوق از جمله بزرگان عرصه جهاد فرهنگی است. افزون بر نقل احادیث بسیار، مطالب علمی ایشان هم حائز اهمیت است. در ویژگی ایشان همین بس که افزون بر اینکه به دعای امام عصر (عج) بدینا آمده، کتاب شریف «کمال‌الدین و تمام‌النعمه» که مجموعه‌ای از احادیث شریف مربوط به حضرت امام عصر (عج) را تدوین کرده است. به اعتراف خود شیخ صدوق در مقدمه کتاب این کتاب، در یک روای صادقه امام عصر (عج) را می‌بیند و به دستور امام زمان (عج)، این کتاب را تدوین می‌کند. از آن زمان تا الآن استفاده‌های زیادی از کتاب ارزشمند ایشان علی‌الخصوص کتاب من لا یحضره الفقیه شده است.

ایکنا: برخی بر این عقیده‌اند که شهرت شیخ صدوق در نقل حدیث است و ایشان در فهم روایات جایگاه درخوری ندارد. آیا این سخن صحیح است؟

مقدمه کتاب کمال‌الدین و تمام‌النعمه سند بسیار محکمی است بر سخن‌های نقدی و استدلال‌های علمی ایشان. چرا که شیخ صدوق در این کتاب با فریق مختلف در مورد حضرت صاحب (عج) بحث کرده است. این یک نکته. نکته دوم مربوط می‌شود به حسن انتخاب و سلیقه ایشان در انتخاب حدیث و بیان‌های که در ذیل احادیث دارند، علی‌الخصوص در کتاب من لایحضره الفقیه. همچنین ستایش جایگاه علمی ایشان از لسان هم عصران و اعلام پس از او، حکایت از شخصیت بالای علمی ایشان دارد. حتی علمای بزرگ رجالی برخی روایات را تنها به این دلیل که از شیخ صدوق نقل شده است می‌پذیرند. از طرف دیگر، در عصر ایشان جمع‌آوری احادیث صحیح و نظم و ترتیب آنها بسیار کار حساس‌تر و با اهمیت‌تری نسبت به مباحث استدلالی بوده است. یعنی اگر العیاذ بالله مرحوم شیخ صدوق و آثار ایشان را از مکتب تشیع خارج بکنیم بطور قطع حداقل یکی از ستون‌های بسیار محکم مذهب تشیع خالی می‌شود. بحث در این است که ما جایگاه علمی را چگونه بینیم و تعریف کنیم. پس نتیجه می‌گیریم کار شیخ صدوق تنها جمع‌آوری حدیث و تدوین کتاب نبوده است. اینکه چه کتاب‌هایی لازم است جمع شود و چه احادیثی مورد نظم قرار گیرد و چه اشکالاتی بر احادیث وارد شود، تمام اینها کارهای مهمی بوده است که شیخ صدوق به آنها توجه داشته است. حالا چرا جایگاه شیخ صدوق در اندیشه شیعی مهم است؟ چون ایشان مهم‌ترین مواد اولیه برای مباحث علمی را در اختیار آیندگان قرار داده که این بسیار کار با ارزشی است.

ایکنا: برخی شیخ صدوق را به عنوان فقیهی اخباری معرفی می‌کنند. آیا شما این تقسیم‌بندی را درباره شیخ صدوق می‌پذیرید؟

مرحوم استاد غفاری، اخباری‌ها را در آن زمان دو گروه می‌داند، یک گروه را فقهای تشکیلی می‌دهند که هر حدیثی که نام معصوم در آن باشد به نحو عموم، به هیچ عنوان در آن حدیث خدشه وارد نمی‌کنند. حتی مثل معروفی هست که امام صادق روی کفن جناب اسماعیل مرقوم فرمود (اسماعیل یشهد ان لاله الا الله)، تمام اخباریون بر این اتفاق دارند که روی کفن بنویسند (اسماعیل

بشهاد ان لا اله الا الله). اما شيخ صدوق بر برخی از اخبار اشکال می‌کنند و آنها را نمی‌پذیرند. کدام اخباری است که حدیثی را نپذیرد. از برخی از بیانات شیخ صدوق در کتاب‌هایش مطالبی بر می‌آید که اصلاً خلاف ادعای اخباری بودن ایشان را ثابت می‌کند. ایشان در مسائل مختلف اعتقادی گاهی روایات را تعدیل می‌کند و احادیث را خلاف ظاهرشان معنا می‌کند. مثلاً در مسئله طب النبوی. یک عده‌ای قائل‌اند که شیخ صدوق اخباری‌ای بوده است اما جناب شیخ مفید این گونه نیست. در مسئله طب النبوی توازن به هم می‌خورد، یعنی شیخ صدوق می‌فرماید احادیث طب النبوی بر اساس حال مخاطب معنا می‌شود ولی جناب شیخ مفید می‌فرماید همانی که در حدیث آمده در همه جا اطلاق دارد. ما در تمام بیانات شیخ صدوق خلاف آنچه که در السنه برخی افتاده که ایشان اخباری است را مشاهده می‌کنیم.

ایکنا: یکی از وجوه برجسته شخصیت شیخ صدوق، موضوع آزاداندیشی و حریت فکری ایشان است. لطفاً در این باره توضیح بفرمایید.

خیلی جالب است، وقتی از مرحوم غفاری می‌پرسیدند که چرا شما اسم انتشاراتتان را مکتبه‌الصدوق گذاشته‌اید ایشان به همین نکته اشاره می‌فرمود که حریت و آزاد اندیشی و بینش فکری بسیار عالی وی موجب شد ما نام این مجموعه را به نام صدوق مزین کنیم. مرحوم صدوق بسیار فرد آزاد اندیشی بودند و خود مرحوم غفاری هم در همین مسیر آزاد اندیش بود و از گفتن اینکه حدیثی ضعیف باشد یا اینکه نقدی شود ایا نداشت. شیخ صدوق هم همینطور بوده حتی از نوع قلم ایشان مشخص می‌شود که دنبال اختلاف افکنی نبوده است و هدفش تنها تدوین اندیشه‌های ناب آل الله بوده و بس. یعنی در مسیر کتاب الله و عترتی حرکت کرده است. اینها مطالب قدم به قدم و لغت به لغت در کتاب‌های ایشان مشخص است.

ایکنا: باتوجه به اینکه سالروز بزرگداشت شیخ صدوق با سالروز وفات مرحوم محمد دشتی همزمان شده است لطفاً در خصوص آثار علمی مرحوم دشتی نظر خود را بیان فرمایید.

بنده کتاب نهج البلاغه مرحوم دشتی را که دیدم متوجه شدم که او ممحض در این کتاب بوده است. به نظر می‌رسد که تمام حیات او مشحون از معارف این کتاب شریف بوده باشد. اگر کسی کتاب نهج البلاغه را همراه با خدماتی که آن مرحوم انجام داده است ببیند کاملاً مستغنی می‌شود یعنی اثر مرحوم دشتی بسیار راهگشاست. بعد از مرحوم مصطفوی که الکاشف را نوشته و دیگرانی که مسیرهای ورود به این کتاب شریف را هموار کرده‌اند، مرحوم دشتی یکی از افراد بسیار پیشتاز در این عرصه بود.

منبع: خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)